

غربت یک مسافر

داستان زندگی شهید حسن مصطفوی

نویسنده: اکرم شهرا، پناه

www.ketab.ir

انتشارات
شهید حاج قاسم سلیمانی
کنگره شهدای استان کرمان

سرشناسه: شهریارپناه، اکرم، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور: غربت یک مسافر، داستان زندگی شهید حسن مصطفوی / نویسنده
اکرم شهریارپناه.

مشخصات نشر: انتشارات شهید حاج قاسم سلیمانی کرمان
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص: ۱۴۰۵/۱۴۰۵ م.س.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۶-۲۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فبا

عنوان دیگر: داستان زندگی شهید حسن مصطفوی.

موضوع: داستان های فارسی قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction -- ۲۰th century

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - داستان

موضوع: Iran-Iraq War: ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Fiction

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۴۹

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۶۷۸۹

عنوان: غربت یک مسافر، داستان زندگی شهید حسن مصطفوی

طراحی و صفحه آرایی: مؤسسه امید کوبر

چاپ: پرنیان قم

انتشارات: شهید حاج قاسم سلیمانی / قیمت: ۴۲۰,۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس: کرمان خیابان مصلی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه نارالله

تلفن: ۳۴-۳۲۷۱۷۷۱۱-۰۳۴ پست الکترونیکی: Hajghasem1334@gmail.com

پیش‌گفتار

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون» آل عمران/۱۶۹

سپاس بی‌نهایت خداوندی را که توفیق عنایت کرد تا در قالب واژگانی خرد، کلانی یکی از بزرگ‌مردان تا به ابد را در پرده‌ای از واقعیت‌های تلخ و شیرین روزگار نه‌چندان طولانی زندگی‌اش، به تصویر بکشم.

شهدا، زندگان همیشه جاوید تاریخ‌اند؛ بی‌هیچ شک و شبهه‌ای و به حق. هشت سال جنگ تحمیلی دشمن علیه ما و دفاع مقدس ما در برابر دشمن، مردانی را ساخت که به گواه زندگی، پاک‌ترین بندگان خداوند بودند و او برای خود برگزیدشان. مادرانی که آن‌ها را در دامن خود پرورش دادند و به معراج فرستادند، ادای حق‌شان بر ما واجب است و ما از ادای آن ناتوانیم؛ اما در حد توان باید کوشید، بی‌هیچ کم و کاستی؛ گرچه قصور قلم در گفتنش بسیار است و زبانش هم الکن.

در اوراق پیش‌رو لحظاتی چند از طلوع، زندگی و عروج یکی از رادمردان فخرآفرین به معراج رفته و پرورشی یافته دامن مادری رنج‌کشیده، اما استوار را به مرور می‌نشینیم و آن را که حاصل تلاشی در مقابل تلاش این بزرگان، ناچیز است، به مادر ایشان که واژه‌ای برای وصفش نیافتم، جز آن‌که بگویم به حق، بهشت زیرپایش است، تقدیم می‌دارم و درود بی‌پایانم را نثار سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی می‌نمایم که قرار بود امضایش پای این کتاب باشد، اما... چه زود دیر می‌شود، حیف و صد حیف!

در این کتاب سعی کرده‌ام در قالب چند داستان و با زبانی ساده و به دور از هرگونه تکلف، روایت‌گر بخش‌هایی از زندگی شهید حسن مصطفوی و مادر بزرگوارش باشم؛ امید است کوتاهی‌ها را بر من ببخشایند. تا زندگی باقی‌ست، ره‌رو راه مردان حق باشیم.

۱۴۰۰/۸/۲۷

اکرم شهریارپناه